

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال یکم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴

تأثیر همکاری تجار لارستانی با سید عبدالحسین لاری در تحولات نهضت مشروطه

در فارس

الهام طاهری^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۲

چکیده

تجار در دوره اول قاجاریه در یک ساختار سنتی به تعامل اقتصادی می‌پرداختند، از آنجایی که حیطة اقتصادی نتیجه مطلوب را به دست نداد، تجار در حیطة سیاسی وارد شده و به ایجاد تشکل‌های گروهی پرداختند. در واقع این تلاش، کوششی برای دستیابی به هویتی مستقل و آگاه بود، که برای رسیدن به این هویت مستقل نیازمند همراهی گروه قدرتمندی مثل روحانیون بودند. تجار و روحانیون در طول دوره قاجاریه به یکدیگر نزدیک شده بودند و این همکاری در حوادث بعدی که منجر به مشروطیت شد، ادامه داشت. عاملی که این اشتراک را به وجود می‌آورد و در انقلاب مشروطه، تجار را به طبقه علما و طلاب نزدیک می‌کرد به جز عامل اقتصادی، عامل مهم مذهبی و فرهنگی بود که نه تنها بازرگانان و طلاب علوم دینی، حتی کشاورزان و کارگران و سایر طبقات را گرد هم جمع می‌نمود.

همکاری طبقه بازرگانان و روحانیون در منطقه لارستان در دوران مشروطه اهمیت چشمگیری داشت. دعوت از سید عبدالحسین لاری توسط تجار لارستانی و همکاری روحانیت و تجار، منجر به شکل‌گیری نهضتی شد که سراسر فارس را فرا گرفت. در این جریان، تجار به صورت بازوی مالی نهضت عمل کرده و منجر به موفقیت‌های جریان مشروطه به رهبری سید لاری در منطقه شدند. اقتدار سید در لارستان و جنوب آن‌چنان بود که مشروطه‌خواهان شیراز از سید عبدالحسین لاری دعوت به عمل آوردند. مبارزات و ایستادگی سید عبدالحسین لاری به قدری برای حکومت وقت و مستبدان نگران‌کننده بود که دستور جنگ مستقیم با وی و غارت لار را صادر کردند.

واژگان کلیدی: مشروطه، روحانیت، تجار، سید عبدالحسین لاری، لار.

مقدمه

لارستان به دلیل واقع شدن در مسیر تجارتي بندر لنگه و بندر عباس به طرف مرکز ایران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. این منطقه به عنوان یک منطقه مهم تجاری و ترانزیتی در آستانه مشروطه دچار بحران شدید و ناامنی‌های داخلی شده و در نتیجه، تجارت این منطقه دچار رکود شد. بنابراین تجار لارستان برای حفظ قدرت و ثروت خود انجمن تجار لاری را تأسیس کردند. تجاوزه‌ها و تعدی‌های حکام محلی منطقه لارستان و عدم امنیت مالی و تجاری برای بازرگانان، آن‌ها را به دنبال راه حلی برای حل بحران در منطقه ناگزیر ساخت. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که با دعوت از عالم روحانی، سید عبدالحسین لاری و حمایت از او بر بحران منطقه چیره شوند. در نتیجه تلاش تجار، سید عبدالحسین لاری وارد لار شد. دعوت از سید به منظور حل معضلات بازرگانان صورت گرفت و منجر به شکل‌گیری نهضتی شد که در راه مقابله با استبداد تمامی تلاش خود را به کار برد. کلیه هزینه‌های انقلاب مشروطیت در لارستان توسط تجار قدرتمند لارستانی پرداخت می‌شد و آن‌ها از این طریق خدمت بزرگی به انقلاب مشروطیت کردند. سید عبدالحسین لاری بعد از ورود به لار، با حمایت مالی تجار به تأسیس حوزه علمیه دست زد و از این طریق توانست کادرهای سیاسی-مذهبی قدرتمندی را برای نهضت، آماده‌سازی کند. در دوران مشروطه نه تنها لارستان، بلکه تحولات فارس و بنادر جنوب نیز از سیاست‌های سید عبدالحسین لاری تأثیر پذیرفت. پیروزی‌های پیاپی سیاسی-نظامی جنبش مشروطه خواهی لارستان، سید لاری را به یگانه قدرت بلامنازع جنوب تبدیل کرد که این مسئله باعث خشم دستگاه دولت و مستبدان شد که پیامد آن، حمله به لار و قتل و غارت در این شهر بود، ولی سید و یارانش در جنگ‌هایی که میان مستبدین و مشروطه‌خواهان پیش آمد شرکت نموده و فداکاری‌های بسیاری برای آزادی ملت از خود نشان دادند.

وضعیت لارستان در دوران مشروطه

لارستان منطقه بزرگی از سواحل جنوبی خلیج فارس است که از بندرعباس تا بندر کنگان را شامل می‌شده است. مراکز تجاری بندرعباس و بندر لنگه توسط تجار لارستانی اداره می‌شد. بازرگانان لارستانی در طول تاریخ این منطقه، از قدرت اجتماعی بسیار بالایی برخوردار بوده و در تمامی تحولات سیاسی نقش اساسی ایفا کرده‌اند.^۱ به دلیل وضع نامساعد طبیعی و آب و هوایی بلوک لارستان و عدم رونق فعالیت‌های زراعی، تنها راه معیشت عمومی اهالی این دیار اشتغال به امور تجاری بود. مجاورت و ارتباط این منطقه با بنادر خلیج فارس و سواحل جنوبی آن، زمینه تمایل اهالی این سامان را به امور تجاری فراهم می‌کرد. در نتیجه سفرهای تجاری و شروع مناسبات بازرگانی، گروه‌هایی از مردم لارستان به سرزمین‌های عربی و حتی نواحی دوردستی چون هند و آسیای دور رهسپار شدند و قشر جدید ثروتمندی در این حوزه پدید آمد که به عنوان

^۱ وثوقی، لارستان و جنبش مشروطیت، ص ۵۰.

طبقه‌ای صاحب نفوذ و قدرت محلی در مشروطه فارس و همگام با نهضت سید عبدالحسین لاری مطرح شدند.^۱

وقتی از مشروطه نام برده می‌شود بی‌اختیار به یادآوری جریانی می‌پردازند که در تهران، تبریز و استان‌های شمالی ایران رخ داده و کمتر کسی است که از مشروطه در قسمت جنوبی ایران و مخصوصاً لارستان یاد کند. در کتاب *تاریخ بیداری ایرانیان* به این نکته اشاره شده که تفاوتی بین تبریز و کرمان و استرآباد و اصفهان و لار و گیلان نخواهد بود.^۲ لارستان نیز در آستانه مشروطیت در بحران شدید، ناامنی، وحشت و ترور به سر می‌برد. نارضایتی ایل‌های ترک بهارلو و اعراب از سمت شمال شرقی، اعراب قواسم از طرف جنوب، خان‌های محلی اشکنان و بیخه‌جات از مغرب، اختلاف‌های فرزندان فتحعلی خان و سیاست مالیاتی فتحعلی خان، حاکم پرقدرت لارستان، توان اقتصادی لارستان را فلج کرده بود و تجارت ضربه سختی خورده و رونق دیرینه خویش را از دست داده بود.^۳ در اوایل سده بیستم میلادی، پس از تبریز، لارستان علم طغیان برافراشت و بر ضد استبداد محمدعلی شاه قاجار قیام کرد.^۴

با خاتمه تسلط حکمران مسقط بر نواحی جنوبی فارس و تصرف مجدد لارستان توسط حسام‌السلطنه فرمانفرمای فارس، حکمرانی این بلوک در سال ۱۲۸۸ ه.ق. به فتحعلی خان گراشی واگذار شد که دوران حکمرانی او تا سال ۱۳۱۲ ه.ق. مقارن با ورود سید عبدالحسین لاری از عتبات به لار گشت. دورانی که با اقدامات عمرانی، اغتشاشات شدید و شکل‌گیری اقشار قدرتمند جدید در لارستان همراه بود و با جانشینی فرزندش حاج علی قلی خان به پایان رسید.^۵ دوران بیست و چهار ساله حکومت فتحعلی خان مصادف با ایام سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، همزمان با تسلط خاندان قوام‌الملک در فارس و مشاجرات بر سر کسب قدرت در این منطقه حیاتی و بزرگ بوده است. کشمکش بر سر قدرت از یک سو بین شاهزادگان قاجاری و خاندان قوام‌الملک و از سوی دیگر بین ایلات و عشایر فارس و شهرنشینان توأم بوده است. فتحعلی خان نیابت حکومت را از دست خانواده نظام‌السلطنه که به شکل سنتی و دیرپا با قوامی‌ها در تضاد بوده‌اند، گرفته بود^۶ و این چنین ناخودآگاه وارد تضادهای سیاسی منطقه گردید و گاه با خاندان قوام‌الملک از در ستیز بیرون می‌آمد.^۷ اختلاف بر سر قدرت در مرکز به شکل روزافزونی تشدید می‌شد و این امر به سود فتحعلی خان بود، زیرا از این موقعیت به نفع خود بهره برد و تسلط خویش را به‌طور کامل بر منطقه اعمال کرد.^۸

^۱ شفیع سروسرستانی، فارس در انقلاب مشروطیت، ص ۴۴.

^۲ کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۳۵۳.

^۳ رحمانی، سیمای لارستان، ص ۳۹.

^۴ اقتداری، لارستان کهن، ص ۵۸.

^۵ وثوقی، لارستان و جنبش مشروطیت، ص ۵۶-۵۷.

^۶ مافی، خاطرات و اسناد، ص ۱۲۹.

^۷ وقایع اتفاقیه، ص ۱۱.

^۸ مافی، خاطرات و اسناد، ص ۱۸۹.

علاءالدین مورخ لاری در مورد فتحعلی خان می‌نویسد: «فتحعلی خان مظالم زیادی داشته ولی نماز می‌خوانده و روزه می‌گرفته و صلۀ رحم می‌کرده و ظاهر شریعت را حفظ می‌کرده است ولی به مردم ظلم می‌کرده و بسیاری از مال و ملک مردم را گرفته است».^۱

قدرت شخصی و بعدها اقتدار مالی او باعث گردید که رابطه نسبتاً پایدار و محکمی بین او و خاندان قوام‌الملک در فارس به وجود آید و نیابت حکومت لار و سبعه، هر آن‌گاه که حاکمیت فارس به دست قوامی‌ها می‌افتاد، به او سپرده شود.^۲ قوام‌الملک از طریق این حاکم قدرتمند می‌توانست انتظامات جنوب را که گاه و بی‌گاه از سوی عناصر ایلی و شبه‌ایلی همچون ایلات بهارلو و قشقایی و اعراب سواحل و خوانین لارستان به هم می‌خورد، حفظ نماید و بدین‌ترتیب با کمال اطمینان جنوب فارس را در چنگال خویش داشته باشد.^۳

در این زمان بازرگانان لارستانی برای حفظ قدرت و ثروت خود «انجمن تجار لاری» را تأسیس کردند و ریاست این انجمن بر عهده فردی به نام حاج علی لاری بود که بعدها نخستین نماینده‌ای بود که از این منطقه به مجلس شورای ملی راه یافت و به همین دلیل به حاج علی وکیل معروف شد. فتحعلی خان که قدرت سیاسی خود را در معرض خطر می‌دید با اعضای انجمن به مخالفت برخاست و تمام تلاش خود را برای محدود کردن اختیارات آن به کار برد. در اواخر سال‌های حکومت فتحعلی خان بین او و تجار اختلاف شدیدی بروز کرد. دامنه این اختلافات به تدریج بالا گرفت و باعث واکنش شدید بازرگانان محلی شد. ناامنی راه‌ها، تجاوزها و تعدی‌های بیش از اندازه حکام محلی، عدم امنیت مالی و تجاری لازم برای بازرگانان و نبودن مرجعیت مذهبی در منطقه، تجار را به یافتن راه حلی در جهت از بین بردن بحران ناگزیر ساخت. آنان به این نتیجه رسیدند که با دعوت عالم روحانی و قدرتمند به لارستان و حمایت همه‌جانبه از او می‌توانند در مبارزه با حاکم منطقه پیروز شوند. از این رو در سال ۱۳۰۹ ه.ق. هیئتی از تجار به‌ریاست حاج علی لاری به نجف اشرف رفتند. دعوت از سید عبدالحسین لاری به منطقه، به منظور برآوردن خواست این قشر قدرتمند اجتماعی و حل معضلات بازرگانان صورت گرفت.^۴

در نتیجه حضور و درخواست حاج علی وکیل و یارانش در نجف، سید عبدالحسین موسوی لاری در سال ۱۳۱۰ وارد لار شد. سید عبدالحسین لاری از شاگردان برجسته میرزای شیرازی بود که با توصیه ایشان در اجابت به درخواست اهالی منطقه، به همراه تعدادی از بازرگانان لارستان و به‌قصد اقامت در این منطقه وارد لار شد. در اندک زمانی هواداران و شاگردان زیادی از اهالی لار و بلوکات مجاور (جهرم، داراب، فسا) گرد وی جمع شده و از محبوبیت گسترده‌ای میان عموم برخوردار شد.^۵ مهاجرت سید عبدالحسین به منطقه و حمایت شدید مردم لارستان از سید، به شکل‌گیری نهضتی انجامید که در راه مقابله با استبداد قاجاریان تمامی تلاش خود

^۱ مورخ لاری، تاریخ لارستان، ص ۱۸۷.

^۲ وقایع اتفاقیه، ص ۲۹.

^۳ وثوقی، لارستان و جنبش مشروطیت، ص ۵۸.

^۴ وثوقی، لارستان، ص ۶۴.

^۵ کرامتی، تاریخ دلگشای اوز، ص ۱۲۹.

را به کار برد.^۱ لارستان در جریان نهضت مشروطیت به عنوان «مرکز ثقل سیاسی» فارس عمل می‌کرده و تحولات فارس و بنادر جنوب از سیاست‌های سید عبدالحسین لاری متأثر بوده‌است.^۲

هنوز چیزی از ورود سید به لار نگذشته بود که فتحعلی خان گراشی، حاکم قدرتمند لار از دنیا رفت و درگیری‌های خانوادگی میان فرزندان او برای تقسیم میراث پدر آغاز شد. اختلافات و خصومت‌ها بین بازماندگان حاکم لارستان آن‌چنان بالا گرفت که آنان را از پرداختن به رقبای خود غافل ساخت. از آن پس انجمن تجار لار، روزبه‌روز قدرت بیشتری یافت تا آن‌جا که در آستانه انقلاب مشروطیت اعضای این انجمن قدرت بلامنازع منطقه شدند. خان‌های لارستان که قدرت مقابله با نیروی عظیم مردم و تجار را نداشتند، خود را موافق انقلاب نشان دادند و از تصمیمات انجمن ولایتی لارستان پیروی کردند.^۳ مشروطه‌خواهان، انجمن‌های ایالتی و ولایتی را بخش تفکیک‌نشده‌ای از نظام مشروطه می‌شناختند. در دوره استبداد صغیر در هر کجا که مشروطه‌خواهان قدرت گرفتند، انجمن را احیا کردند. در لارستان نیز چنین انجمن‌هایی ایجاد گشت، این انجمن‌ها پایگاه قانونی حرکت آزادی‌خواهانه بودند و جنبشی را هدایت کردند که سرانجام موجب خلع محمدعلی شاه از سلطنت شد.^۴ از نخستین شهرهایی که در فارس انجمن‌های ولایتی در آن تشکیل شد، لار و بعد از آن در بندر لنگه و بندرعباس بود که زیر نظر مستقیم آیت‌الله سید عبدالحسین لاری اداره می‌شد. او با تشکیل دسته‌های نظامی و پرداختن مواجب آنان، امنیت راه‌های منتهی به شهر را تأمین و قوانین شریعت را در محاکم اجرا می‌کرد.^۵

لارستان در جریان مشروطیت شکل جدید و ناهمگونی از قدرت‌های اجتماعی را یافت و همین صورت نهایی، خود یکی از زمینه‌های ایجاد اعتراض و انقلاب در آن منطقه بوده‌است. قدرت‌های سنتی و تازه شکل گرفته در این منطقه مهم و تجاری، در رویدادهای مشروطیت از خود واکنش نشان داده و همانند دیگر نقاط بحرانی ایران به دو گروه مشروطه‌خواه و مستبد تقسیم گردیدند. مشروطه‌خواهان در لارستان، دو گروه قدرتمند اجتماعی روحانیت و تجار را تشکیل می‌دادند:

۱. روحانیت

در دوران شاه عباس بنا به سیاست‌های ویژه عصر صفوی، عده‌ای از روحانیون شیعه به لار منتقل شده تا امورات مذهبی را به دست گیرند. که از آن جمله می‌توان از «سید محمد زاویه» نام برد، که از قدیمی‌ترین روحانیون شیعه در لار است. رشد قدرت روحانیت در لارستان، هم‌پای تحولات ایران و در راستای آن شکل می‌گرفت. هر چند در این منطقه به‌خاطر وجود پایگاه‌های مذهبی تسنن، روحانیت این فرقه مذهبی نیز در مناطق خاصی از لارستان دارای قدرت اجتماعی بوده و در جریان مشروطیت از خود واکنش نشان داده‌اند.

^۱ رحمانی، سیمای لارستان، ص ۴۰.

^۲ بشیری، کتاب آبی، ص ۴۷۱.

^۳ وثوقی، لارستان، ص ۶۷.

^۴ یزدانی، کسروی و تاریخ مشروطه ایران، ص ۷۱.

^۵ وثوقی، همان‌جا.

در آستانه مشروطیت، لار با فقدان روحانیت سنتی روبه‌رو گردید که این امر منجر به دعوت «سید عبدالحسین لاری» به لار و آغاز دوره جدیدی گردید.^۱ کسروی رهبران یا پیشروان مشروطه در ایران را علما می‌داند، که یکی از علمای برجسته در این دوره سید عبدالحسین لاری است.^۲

یک دهه تلاش فرهنگی-سیاسی اقتدار زیادی را در منطقه لارستان به سید بخشید و تا آنجا پیش رفت که حکمران محلی، «حاج علی قلی خان» را مجبور به اطاعت از خود نمود. ادامه تلاش‌های نوظهور وی که با منافع خوانین محلی، کارگزاران حکومت و عوامل قوام در تعارض جدی قرار داشت، منجر به تضاد و درگیری‌های میان دو جبهه، در خلال سال‌های مشروطیت در فارس گردید.^۳ سید عبدالحسین لاری با ورود به لارستان اقدامات مهمی انجام داد که تجار در این زمینه همکاری زیادی با سید داشتند:

(۱) تشکیل حوزه علمیه در لار

تأسیس حوزه علمیه در لار با حمایت مالی تجار لارستانی و به سرپرستی سید عبدالحسین لاری، بلافاصله بعد از ورود به منطقه صورت گرفته است. با تشکیل حوزه علمیه در لار، سید توانست قشر قدرتمندی از روحانیون جنوب ایران را با افکار سیاسی خود آشنا ساخته و با تربیت و اعزام ایشان به مناطق خویش، به عنوان پایگاه‌های تبلیغاتی و نظامی از این شبکه گسترده برای پیشبرد اهداف نهضت استفاده نمایند.^۴ از شاگردان برجسته‌اش چون سید عبدالباقی شیرازی، زکریا انصاری از داراب، سید مرتضی مجتهد اهرمی ملقب به علم‌الهدی از بوشهر بودند که هر کدام به سهم خود در عرصه مشروطیت، رهبری بخشی از مناطق جنوب را برعهده گرفتند.^۵ شاگردان او به‌عنوان سخنگویان تفکر سیاسی جدید در مناطق تحت نفوذ خویش به تبلیغ گسترده علیه ظلم حکام محلی دست زده و همزمان با نهضت مشروطیت به صورت یکپارچه در سلک مشروطه‌خواهی ظاهر گشته و علیه مستبدین عمل کردند. مبارزه این قشر قدرتمند مبتنی بر تفکر سیاسی رهبرشان بود که هرگونه همکاری و یاری ظلمه را حرام می‌دانست. به این ترتیب حوزه علمیه به‌عنوان اولین گام در جهت تحکیم مبانی فکری و کادرسازی و تربیت نیروهای انقلابی، بهترین اقدام می‌توانست باشد.^۶

سید با تأسیس حوزه علمیه، دین‌باوران بسیاری را به سمت لار کشانید. جوانان مومن از داراب، جهرم، فسا، بندرعباس، کرمان، سیرجان، بندرلنگه و حتی هندوستان، در حوزه علمی او گرد آمدند و ضمن فراگیری مفاهیم دینی با نظریات سیاسی استادشان نیز آشنا شدند. مهاجرت شاگردان سید به مناطق گوناگون و پخش رساله‌های سیاسی او، به سرعت نامش را پر آوازه و همراهانش را بسیار نمود. تجار، نیروهای ایلی و شبه‌ایلی و طبقات پایین اجتماع، که از ظلم و ستم حکام به تنگ آمده بودند، در کنار وی قرار گرفتند و برای دفاع از

^۱ وثوقی، لارستان و جنبش مشروطیت، ص ۶۲.

^۲ یزدانی، کسروی و تاریخ مشروطه ایران، ص ۹۷.

^۳ شفیعی سروستانی، فارس در انقلاب مشروطیت، ص ۴۵.

^۴ وثوقی، لارستان و جنبش مشروطیت، ص ۸۶.

^۵ شفیعی سروستانی، فارس در انقلاب مشروطیت، ص ۴۵.

^۶ وثوقی، لارستان و جنبش مشروطیت، ص ۸۶.

آرمان‌های اسلام آماده شدند. سید از همان ابتدا با برگزاری نماز جمعه و قرائت خطبه‌های سیاسی، جبهه‌گیری خویش علیه حاکمیت قاجاری را آشکار ساخت.^۱

در پی تدریس شفاهی، با حمایت مالی تجار لارستانی، سید اولین رساله فقهی خویش را با عنوان «معارف السلمانی بمراتب الخلفاء الرحمانی» در سال ۱۳۱۳ ه.ق. به چاپ رسانید و منتشر کرد و یک سال بعد اولین رساله سیاسی او با عنوان «آیات الظالمین» در شیراز به چاپ رسیده و منتشر گردید. او در این رساله با استناد به آیات قرآنی، مشروعیت سلطنت را رد کرده و با این تفکر اولین جرقه‌های مبارزه فکری علیه رژیم سیاسی قاجاری را به وجود آورد. شاگردان مکتب او بدون تردید با این نظریات آشنا بوده و با هجرت خویش، جناح تبلیغاتی گسترده‌ای را برای افکار او به وجود می‌آوردند و او با این تبلیغات گسترده شاگردان، توانست موقعیت فکری و نظامی بالایی را در فارس به دست آورد و از حمایت گسترده اقشار مردمی برخوردار گردد.^۲

۲) مسأله اخراج یهودیان از لار

اقدام بعدی سید در رابطه با اخراج یهودیان بود؛ یهودیان لار در روند اقتصادی این شهر موثر بوده و موقعیت نسبتاً خوبی را دارا بوده‌اند. در جریان شکل‌گیری قدرت سید و یارانش در منطقه، با توجه به دیدگاه‌های مذهبی جمعیت تازه شکل گرفته و همچنین وجود حوزه علمیه‌ای که با تعداد نسبتاً زیادی، حساسیت‌های مذهبی خاصی را به وجود می‌آورده است و احتمالاً به خاطر تضاد بین تجار مسلمان و یهود در سطح منطقه و گرایش بازرگانان مسلمان به حذف رقیب دیرینه از صحنه اقتصادی لارستان و دیگر عوامل، زمینه‌های اخراج یهودیان از لار را که احتمالاً از سال ۱۳۱۶ ه.ق. به مرور انجام گرفته، به وجود آورده است.^۳ سید عبدالحسین در پی استقرار و توسعه قدرت و نفوذ خود اقدام به اخراج یهودیان از منطقه لارستان نمود که این اقدام سید در دفاع و حمایت از منافع تجار مسلمان منطقه به حساب می‌آمد و نشانه حضور رسمی و قدرتمندانه‌ای بود که با حمایت گسترده مردمی با تکیه بر احساسات مذهبی تقویت می‌شد.^۴ ظاهراً همین امر باعث گردید که یهودیان لار با همراهی حاکم شهر، هنگامی که سید و یارانش در اولین مسافرت پس از هجرت، به قصد زیارت خانه خدا، از طریق بندر لنگه قصد بازگشت به لار را داشتند، طی شکایتی به مظفرالدین شاه خواهان اقدام نیروهای دولتی در جهت بازگرداندن سید شدند. با توافق دولت، حاکم لار با نیروهای حامی خویش، سید و همراهانش را بازگردانده به بندرعباس فرستادند. این عمل باعث واکنش شدید مردم لارستان و همچنین اهالی بندر لنگه گردید.^۵

احتمالاً در ایام سال ۱۳۱۶ ه.ق. اولین اقدام جدی علیه یهودیان لار به عمل آمده و با فشار سید و یارانش در جوی مسالمت‌آمیز، یهودیان وادار به تغییر مذهب و یا مهاجرت گردیده‌اند. عده‌ای از یهودیان نیز مسلمان

^۱ رحمانی، سیمای لارستان، ص ۴۴-۴۵.

^۲ وثوقی، لارستان و جنبش مشروطیت، ص ۸۵-۸۷.

^۳ لوی، تاریخ یهود در ایران، ص ۸۱۴.

^۴ وثوقی، لارستان و جنبش مشروطیت، ص ۹۰.

^۵ وقایع اتفاقیه، ص ۵۵۱.

شده و با عنوان طایفه «جدیدالاسلام» در لار باقی ماندند.^۱ بنا به شواهد تاریخی می‌توان گفت که اخراج یهودیان تا سال ۱۳۲۵ ه.ق. ادامه داشته‌است. اخراج تدریجی یهودیان از لار و حمایت علنی حاکم لارستان از ایشان باعث شد که در دیده مردم مذهبی و سنت‌گرا، عمل حاکم محلی امری ضد مذهبی تلقی گردیده و از مقبولیت ایشان بکاهد. این امر در حالی بود که سید و یارانش با موضع‌گیری اصولی خویش توانستند ضمن بیرون کردن یکی از اқشار قدرتمند لارستان از صحنه سیاسی-اقتصادی، که با موفقیت تمام به انجام رسید، اولین اقدام گسترده خویش را به منصفه ظهور رسانده و با این عمل در واقع حضور رسمی خود را به عنوان جمعیت قدرتمند جدید اعلام نمایند. حضوری که به دلیل ماهیت مذهبی آن با حمایت گسترده مردمی همراه بود و توانست بعدها این همراهی را تا سرحد پیروزی بر طبقه حاکم سنتی کسب نماید.^۲

نهایتاً سید عبدالحسین لاری با این اقدامات در رأس هرم سیاسی قرار گرفت، قدرتی که منشأ آن اقتدار شخصی، باورهای عمیق مذهبی و حمایت شدید بازرگانان بوده‌است. اصول علمی سیاست سید همراه با واقعیت‌گرایی و کاربرد سیاست‌های تبلیغی وسیع توانست پایگاه اجتماعی گسترده‌ای را در مدتی کوتاه برای او و یارانش فراهم آورد. بدین ترتیب نهضت ستم‌ستیزی و شرع‌گرایی لارستان روزبه‌روز قدرتمندتر شد و جامعه را آستان حوادثی ساخت که به نام «قیام سید عبدالحسین لاری» شهرت یافت.^۳ نکته قابل تأمل در این قیام الهی آن بود که با وجود ترکیب ناهمگون مذهبی لارستان و نفوذ دو دیدگاه تشیع و تسنن در منطقه، نهضت سید هرگز رنگ فرقه‌ای خاص به خود نگرفت و آن مجتهد فرزانه توانست با استفاده از نیروهای سنی و شیعه نهضت را ادامه دهد.^۴

۳) تشکیل انجمن اسلامی

همزمان با انقلاب مشروطیت، سید و یارانش در منطقه لارستان از اقتدار کامل برخوردار بوده و بلافاصله پس از اعلام پیروزی مشروطیت، به دستور سید انتخاباتی برگزار و انجمنی با عنوان «انجمن اسلامی» در لار تشکیل شد.^۵ این انجمن متشکل از دوازده نفر بود که به ریاست حاج علی وکیل تشکیل جلسه داده و دستورات خویش را به تمام لارستان اعلام می‌کرده‌است، سید طی نامه‌های بسیاری به اطراف و از جمله بنادر (بندرلنگه و عباس)، بستک، بیخه، فال، بیرم، اوز، اشکنان و کوهستان داراب، دستور تشکیل انجمن‌های محلی را صادر و وظایفی برای هریک از سران قوم مشخص نموده و در زیر آن با امضای «سردار مختار ملت» و مهر «عبده عبدالحسین موسوی» خود را معرفی کرده‌است.^۶

^۱ سدیدالسلطنه، سفرنامه سدیدالسلطنه، ص ۴۲۹.

^۲ وثوقی، لارستان و جنبش مشروطیت، ص ۸۸-۹۰.

^۳ بشیری، کتاب آبی، ص ۱۱۱.

^۴ کرامتی، تاریخ دلگشای اوز، ص ۱۷۶.

^۵ وثوقی، لارستان و جنبش مشروطیت، ص ۱۰۹.

^۶ بنی عباسیان بستکی، تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستکی، ص ۳۱۴.

با توجه به این که سید و یارانش، سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب به نوعی اقتدار دینی دست یافته و عملاً حاکمیت لارستان را در دست داشته‌اند، این امر تحول چندانی در سطح منطقه به وجود نیاورده‌است، در حالی که سید و یارانش حوزه نفوذ و اقتدار خود را تا بنادر عباسی و لنگه گسترش می‌دادند، اولین جرقه‌های تشکیل انجمن‌ها در بنادر با حمایت فکری و نظامی سید زده شد و عملاً بنادر خلیج فارس در تحت نفوذ سید باقی ماند.^۱ او بر اساس یک دهه سابقه سیاسی در منطقه و داشتن عوامل نفوذ، در جریان پیروزی انقلاب مشروطه، مشکلی برای اعمال قدرت گروهش نداشت و تنها با تحکیم مواضع قدرت خویش و ایجاد یک شبکه گسترده مبلغین و تشویق مردم نواحی گوناگون به تشکیل انجمن‌های ولایتی و اجرای احکام اسلامی، شهرت خود را به فارس و از آن‌جا به مرکز ایران منتشر ساخت. این اقتدار و حاکمیت مطلقه آنچنان بود که مشروطه‌خواهان شیراز در هنگامه بحران و امکان پیروزی مستبدین، از او و یارانش برای تقویت جبهه انقلابیون دعوت به عمل آوردند.^۲

۲. تجار

با توجه به اهمیت تجاری و ترانزیتی منطقه لارستان، تجار و بازرگانان از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. داشتن روابط سنتی و دیرپای با تجار هندوستان و سواحل جنوبی خلیج فارس، موقعیت عبور کاروان‌های تجاری از بندرعباس و لنگه و حتی تا بندر میناب، نوعی اقتدار و مشروعیت خاص اجتماعی به تجار لارستانی بخشیده و آن‌ها را در بالاترین موقع قدرت نشانید.^۳

تحولات سیاسی عصر مشروطیت در راستای خواسته‌های این قشر قدرتمند شکل نهایی خویش را به وجود آورد. شخصیت حاج علی وکیل که به دلیل انتخاب در اولین مجلس شورای ملی به لقب وکیل مفتخر گردیده، در واقع بیان‌گر طرز تفکر و نحوه برداشت‌های سیاسی قشر قدرتمند بازرگانان در لارستان است. او مورد اعتماد و اطمینان سید عبدالحسین لاری بوده و کلیه هزینه‌های انقلاب مشروطیت در لارستان توسط تجار قدرتمند لارستانی پرداخت می‌شده است. قشر قدرتمند تجار و بازرگانان، حامی اصلی و برپادارنده تحولات در لارستان بوده و در واقع بازوی مالی نهضت بوده‌اند. تجار لارستانی مقیم بندرعباس و بندر لنگه نیز به‌عنوان رابط و تهیه‌کننده ملزومات تدارکاتی و نظامی نهضت عمل می‌کرده‌اند، از این رو توانسته‌اند خدمت بزرگی به انقلاب مشروطیت نمایند. اگرچه نشانه بارزی از جریان‌های روشنفکری در منطقه فارس دیده نشده و یا نسبت به مناطق بحرانی دیگر ایران همچون آذربایجان و گیلان کمتر به چشم خورده است، اما ارتباط تجاری بین بازرگانان و محافل اقتصادی هند و رواج روزنامه، خصوصاً *حبل‌المتین* در میان ایشان، اولین جرقه‌های آشنایی این قشر قدرتمند را با تحولات سیاسی جهانی و مفاهیم آن را به وجود آورد. توانمندی مالی امکان ارتباط بهتر با مرزهای بیرونی، داشتن پایگاه‌های قدرتمند اجتماعی در منطقه، برخورداری تمام از

^۱ بشیری، کتاب آبی، ص ۴۵.

^۲ مستشارالدوله، خاطرات، ص ۲۱۴.

^۳ سدیدالسلطنه، سفرنامه سدیدالسلطنه، ص ۳۶.

حمایت مذهبی روحانیت، نگرش استقلال‌طلبانه اقتصادی به‌خاطر منافع شخصی، همه و همه باعث گردید تا این قشر قدرتمند در تحولات سیاسی جنوب شرکت فعالانه داشته و پایه‌پای مشروطه پیش برود.^۱

دعوت سید عبدالحسین لاری به شیراز

در سال‌های انقلاب مشروطیت، شهر شیراز نیز صحنه درگیری و جنگ بین نیروهای مشروطه‌خواه و نیروهای مستبد به‌رهبری محمدرضاخان قوام‌الملک بود. از آن‌جا که مشروطه‌خواهان قدرت چندانی نداشتند، ناگزیر از سید عبدالحسین لاری و مجاهدین لارستان تقاضای کمک کردند تا بتوانند با مستبدان روبه‌رو شوند. این دعوت را سید لاری پذیرفت و به‌اتفاق صدها نفر از مجاهدان جنوب برای کمک به مشروطه‌خواهان از لارستان به‌سمت شیراز حرکت کرد.^۲ کسروی در کتاب تاریخ مشروطه می‌گوید:

«بدخواهان قوام در شاهچراغ بست نشسته و سید عبدالحسین لاری را که یکی از ملایان

شکوه‌دوست و نام‌جو می‌بود، به‌یاری خواسته و او با هفتاد تن تفنگچی آمده و بام‌های

شاهچراغ را سنگر کرده با شهر به جنگ می‌پرداخت».^۳

سید در روز یکشنبه ۵ رمضان ۱۳۲۵ ه. ق. وارد شیراز شد و انبوه مردمی که در دروازه سعدی شیراز در انتظار ورودش بودند، به‌همراه سید روحانیون مسلح و عده‌ای از تفنگچیان که به حدود هفتاد نفر می‌رسید، در نیمه روز وارد شهر شده و با استقبال مشروطه‌خواهان روبه‌رو شدند. سید بلافاصله پس از ورود در میان استقبال مردم، در منزل یکی از تجار لاری مستقر شدند. وی از ابتدا با عنوان حمایت از مشروطه‌خواهان و انجمن ایالتی و انجمن اسلامی به شیراز وارد شد، اما مقاصد اساسی اش اضمحلال و تحلیل قوای قوامی‌ها و رویارویی با عوامل آنان در مرکز اقتدارشان و تعقیب و اجرای هدف عمده خود در گسترش حوزه حکومت دینی در مرکز ایالت بود. مجموعه اقدامات سید در طول ایام حضورش در شیراز نشان می‌داد که وی در پی برپایی و توسعه حکومت دینی خود بود اما به‌دلیل شرایط نامساعد شیراز توفیقی به دست نیاورد.^۴ ادوارد براون در کتاب *انقلاب ایران* می‌نویسد:

«در شیراز، حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری قیام کرد، پیروان بی‌شمار دورش گرد آمدند،

گویا سید هوای حکومت نیز داشته‌است، داستان او خود در خور دیوانی است، دستگاهش

منظم و با انضباط بوده و بر پایه شریعت صدر اسلام کار می‌کرده‌است».^۵

پس مشروطه‌خواهان به‌منظور تقویت هرچه بیشتر جبهه آزادی‌خواهان، از آیت‌الله حاج سید عبدالحسین لاری دعوت کردند تا به شیراز بیاید و پشتیبان مجلس و مشروطه‌خواهان گردد. او نیز در اسرع وقت لبیک گفت.^۶

^۱ وثوقی، لارستان و جنبش مشروطیت، ص ۶۹، ۷۱.

^۲ وثوقی، لارستان، ص ۶۸.

^۳ کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ص ۵۴۵.

^۴ شفیعی سروستانی، فارس در انقلاب مشروطیت، ص ۱۱۵.

^۵ براون، انقلاب ایران، ص ۳۲۳.

^۶ امداد، فارس در عصر قاجار، ص ۵۱۹.

افراد و گروه‌ها و انجمن‌های مشروطه‌خواه و جناح‌های ضد قوام‌الملک، از جمله صولت‌الدوله، گرد سید عبدالحسین لاری جمع شده و جبهه واحدی را علیه دستگاه قوامی‌ها تشکیل دادند. حضور سید عبدالحسین و هوادارانش در شیراز ضمن آن که موجب تقویت موضع جناح مشروطه‌خواه گردید، زمینه تشدید رقابت و کشمکش میان دو جبهه درگیر را به وجود آورد.^۱

سید توانست در درگیری‌های شیراز به موفقیت دست یابد و نیروی پنج هزار نفری را با عنوان «چریک‌های لاری» رهبری نماید. چریک‌های لارستانی توانستند با حمایت و همراهی انجمن‌های انقلابی شیراز، به‌ویژه انجمن اسلامی، گروه قدرتمندی را در مقابل نیروهای مستبد به رهبری قوام‌الملک به‌وجود آورده و در درگیری‌ها با تمام قوا شرکت کرده و از آرمان‌های خویش دفاع کنند. با حمایت نیروهای قشقایی به‌رهبری صولت‌الدوله و با یاری تجار شیراز و همراهی معدود عناصر روشنفکر موجود در فارس، جبهه قدرتمند مشروطه‌خواهان در شیراز شکل گرفت. در این میان نقش سید عبدالحسین لاری و صولت‌الدوله قشقایی به‌عنوان رهبری فکری- نظامی بارزتر از دیگران جلوه می‌نمود.^۲

تأسیس تشکیلات سیاسی جدید، متشکل از عناصر مشروطه‌طلب و پیروان سید در شیراز، به‌نام «انجمن انصار»، از جمله عمده‌ترین اقدامات سید در اولین روزهای ورودش به شیراز بود.^۳ او با همراهی چریک‌های لارستانی و با حمایت بی‌دریغ روحانیت شیراز توانست انجمنی با نام انصار در شیراز به راه انداخته، ضمن درگیری‌های نظامی با مستبدین و شرکت همه‌جانبه در گردهمایی‌ها، با ارسال تلگراف به تهران و نجف و انتشار اولین رساله سیاسی خویش، از لحاظ علمی و فکری خود را در اختیار مقاصد مشروطه‌خواهی قرار داد. عملکرد چند ماهه حضور سید در شیراز به گونه‌ای بود که او را به‌طور کامل به محافل سیاسی شناسانده و با عنوان چهره مشروطه‌خواه و سخت‌پاییند به موازین شرعی معرفی گرداند. بنابراین می‌توان گفت که سید به دعوت انجمن اسلامی به شیراز آمد و بلافاصله پس از ورود، ضمن فراخوانی تمام نیروهای خویش، جمعیت خود را با عنوان جمعیت انصار معرفی نمود.^۴

مستبدان شیراز پس از ورود سید و یارانش به صحنه سیاسی فارس، توطئه کردند تا او را به قتل برسانند اما با حمایت چریک‌های لارستانی و قشقایی، هیچ‌کدام از ترورها به اجرا در نیامد. در پی این توطئه‌ها اعضای انجمن انصار به صحن شاهچراغ پناه بردند و در آن‌جا متحصن شدند. قوام‌الملک که در رأس نیروهای مشروعه‌خواه شیراز قرار گرفته بود، نه‌تنها تمایلی به اعمال مبانی شریعت در حکومت نداشته، بلکه با توجه به سابقه دیرینه او و خانواده‌اش در سرکوب نیروهای مردمی و ظلم و ستم بیش از حد، نمونه کامل یک سیاست‌مدار غیر اخلاقی به‌شمار می‌رفت. حمایت او و یارانش از شعار مشروعه‌خواهی صرفاً به‌علت اعاده قدرت از دست‌رفته‌اش در فارس بود. از سوی دیگر فارس به‌دلیل نداشتن نیروهای قدرتمند فکری اصولاً نمی‌توانست به مشروطه و مبانی آن گرایش داشته باشد. تنها نیروی جناح مشروطه‌خواهان در فارس،

^۱ شفیعی سروستانی، فارس در انقلاب مشروطیت، ص ۱۱۵.

^۲ وثوقی، لارستان و جنبش مشروطیت، ص ۱۱۱.

^۳ شفیعی سروستانی، فارس در انقلاب مشروطیت، ص ۱۱۵.

^۴ وثوقی، لارستان و جنبش مشروطیت، ص ۱۲۱.

آیت‌الله سید عبدالحسین لاری بود که با انتشار چندین رساله سیاسی، نظرات خویش را در باب مشروطیت و نظام‌های سیاسی جدید ابراز نمود. هرچند نوشته‌های سیاسی او تاکنون مورد بررسی دقیق قرار نگرفته‌است، اما در یک جمع‌بندی ساده می‌توان گفت که اندیشه‌های سیاسی او به دیدگاه‌های جناح مشروعه‌خواه مرکز بسیار نزدیک بوده‌است. با این حال سیر حوادث، او و نیروهایش را در جبهه مخالف قرار داده و او کلیه توان خود و یارانش را صادقانه در راه تحقق هدف‌های مشروعه‌خواهان به کار برد و در کنار نیروهای مشروعه‌خواه با تمام نیرو، دوره‌ای از درگیری را آغاز کرد و کار خود را به اتمام رسانید.^۱

سید لاری و نیروهای همراهش توانستند در طی ۹ ماه حضور فعال در شیراز به جنبش مشروعه‌خواهی جنب و جوش و تحرک تازه‌ای بخشیده و سران مشروعه‌خواه شیراز را با اندیشه بلند و منش عمل‌گرایانه خویش آشنا سازند و ضمن تعمیق اندیشه مشروعه‌خواهی، راه مبارزه رویاروی با دستگاه مستبد قوام را بگشایند. سرانجام پس از ۹ ماه تلاش و حضور فعال سید لاری، به سبب تغییر شرایط سیاسی، ادامه توقف خود را در شیراز بی‌نتیجه دید و تصمیم گرفت به لارستان عزیمت کند. با حمایت محمدعلی شاه از خاندان قوام‌الملک اوضاع سیاسی شیراز به نفع قوامی‌ها و جناح مستبد شیراز بود و مشروعه‌خواهان در موضع ضعف قرار گرفتند.^۲

سید عبدالحسین لاری تا زمانی که مجلس به توپ بسته شد در شیراز بود و چون دیگر نمی‌توانست در آن شهر بماند، راه لار را پیش گرفت و چندی ساکت و منزوی بود ولی همین که از قیام مردم تبریز و تحصن مردم تهران در سفارت عثمانی بر ضد دولت استبدادی مستحضر شد، جمعی از آزادمردان را دور خود جمع کرد و علم مشروعه‌خواهی را در آن سامان بلند نمود و به تبلیغ در نواحی اطراف پرداخت و طولی نکشید که یک قسمت مهمی از فارس را طرفدار مشروعه کرد و قوه‌ای مسلح از مجاهدین تشکیل داد و تلگرافاتی به علمای نجف و تبریز مخابره نمود و آماده بودن خود را برای فداکاری در راه مشروعه و آزادی ملت اعلام نمود.^۳ اقدامات سیاسی سید عبدالحسین لاری خشم محمدعلی شاه را برانگیخت و به صدور فرمان حمله به لارستان و دستگیری سید انجامید و بدین ترتیب نصرالدوله قوام‌الملک، با نیروهایی که از ایلات خمسه و مستبدین جمع‌آوری کرده بود به لار یورش برد. حمله نصرالدوله به لار باعث واکنش روحانیون شیراز و تجار فارس و بنادر گردید.^۴

غارت لار

حمله نیروهای دولتی در سال ۱۳۲۶ ه.ق. به لار، با قتل و غارت و خرابی بسیار همراه بود، بیش‌ترین زیان را در این حملات بازرگانان لاری متحمل شدند، اموال آن‌ها در این حمله غارت شد و عده زیادی از آن‌ها کشته شدند.^۵ در این میان حاجی علی‌قلی خان حاکم لار، که هرگز با سید همدل نبود، از فرصت استفاده کرده و با

^۱ وثوقی و کمالی سروستانی، نگاهی به تحولات فارس در آستانه انقلاب صغیر، ص ۱۳.

^۲ شفیعی سروستانی، فارس در انقلاب مشروطیت، ص ۱۴۴.

^۳ ملک زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۹۹۶.

^۴ بشیری، کتاب آبی، ص ۳۰۶.

^۵ وثوقی، لارستان، ص ۶-۷۰.

نیروهای خود از لار خارج شده و به اردوی قوامی‌ها پیوست. حاجی علی‌قلی خان با هدف برچیدن اقتدار سید عبدالحسین در یک اقدام انتقام‌جویانه، طی پیامی به عوامل خود در لار، دستور حمله به مجاهدین سید را صادر کرد. معروف‌ترین خوانین لار که مخالف سید بودند، عبارت از خوانین بیدشهر، خوانین بستک، خوانین جویم، رؤسای هرمود و صحرای باغ و بخشی از رؤسای محلی اوز، که در یک اتحاد سیاسی و نظامی، تمامی توان خود را علیه سید و یارانش بسیج کردند و در تمامی تهاجمات دولتی به شهر لار شرکت فعال داشتند. بدین ترتیب خوانین لارستان که نسبت به اقتدار سید عبدالحسین احساس خطر می‌کردند، در پی آگاهی از اوضاع، اقدام به اعزام نیرو به لار کرده و در صدد برآمدن تا نیروهای سید را در هم بشکنند.^۱ اما هواداران سید به محل اجتماع خوانین لار حمله‌ور شده و حدود هشتاد تن از خوانین را به قتل رساندند و بدین نحو تلاش هماهنگ آنان برای حذف سید عبدالحسین از لار را به موقع دفع کردند.^۲

حادثه قتل خوانین لار، ضمن آنکه بر اقتدار سید عبدالحسین افزود و تمام لار و مضافات آن را تا حدود بنادر جنوبی به عرصه نفوذ و سیطره حکومت اسلامی سید عبدالحسین تبدیل کرد، ضربه سختی بر جناح مخالف وارد شد و آنان را به اقدام فوری علیه دستگاه پرقدرت سید عبدالحسین تحریک کرد.^۳

تشکیل حکومت اسلامی لار

از آغاز سال ۱۳۲۷ ه.ق. پیروزی‌های پیاپی سیاسی و نظامی جنبش مشروطه‌خواهی لارستان، سید لاری را به یگانه قدرت بلامنازع جنوب تبدیل کرد و در شرایطی که همچنان استبداد محمدعلی شاه بر کشور سایه افکنده و ایالات مختلف در تدارک مقابله سیاسی - نظامی با استبداد حاکم بودند، سید عبدالحسین لاری در صدد برآمد تا با قوت و قاطعیت ضمن نامشروع خواندن ادامه حکومت محمد علی شاه، در راه تأسیس حکومت اسلامی در حوزه نفوذ و قدرت خود، به‌عنوان اولین تجربه سیاسی گام بردارد. از سید عبدالحسین می‌توان به‌عنوان اولین منادی و پرچم‌دار برپایی حکومت دینی در تاریخ معاصر یاد کرد.^۴

سید عبدالحسین در اوج قدرت خود در سال ۱۳۲۷ ه.ق. سازمان سیاسی حکومت خود را پی ریخت و با چاپ دو نوع تمبر پست به نام «پست ملت اسلام» و «پست ملت لار» یادآور شد که او قیام خود را نخست به نام ملت اسلام و بعد از اینکه قدرت بیشتری یافت، به نام ملت لار چاپ کرد که نوعی خودمختاری را به ذهن می‌رساند.^۵ باید تأکید داشت که به‌هیچ روی مقصود از تلاش‌های سید عبدالحسن لاری، تجزیه‌طلبی و استقلال‌جویی نبود؛ لذا از آنجا که سید عبدالحسین لاری اساس حکومت محمدعلی شاه را کاملاً نامشروع دانسته، هر نوع همکاری با آن را تحریم کرد و در صدد بود تا در بخش جنوبی کشور حکومتی مطابق با

^۱ شفیعی سروستانی، فارس در انقلاب مشروطیت، ص ۱۴۶.

^۲ کرامتی، تاریخ دلگشای اوز، ص ۱۷۷.

^۳ شفیعی سروستانی، فارس در انقلاب مشروطیت، ص ۱۴۷.

^۴ همان، ص ۱۴۹.

^۵ امداد، فارس در عصر قاجار، ص ۵۲۲.

برداشت خویش از مشروطه بنا سازد. هرچند که بنا به دلایل متعدد سیاسی- نظامی از جمله فشارها و تهاجم‌های داخلی و خارجی سرانجام جنبش لارستان ناکام ماند.^۱

قیام سید عبدالحسین لاری و مانوری که در شیراز و لار به نفع مشروطه‌خواهان داد، همزمان با قیام ستارخان و باقرخان در تبریز بود که در سراسر ایران انعکاس یافت. قیام سید با قیام‌های همزمان او این تفاوت را داشت که قیام ستارخان و باقرخان و سایر مجاهدین تنها جنبه ملی داشت، ولی قیام سید لاری شامل مقاصد ملی مذهبی بود. سید حکومت ملی را صرفاً بر پایه شرع و اجرای دقیق احکام الهی می‌خواست، در صورتی که قیام سایر مجاهدین تنها برای از میان برداشتن حکومت مطلقه استبدادی و مستقر کردن حکومت دموکراسی «مردم بر مردم» مبتنی بر آزادی و مساوات بود.^۲

تهاجم استبداد داخلی به جنبش مشروطه‌خواهی جنوب

در حالی که جنبش سید عبدالحسین لاری به سرعت در حال توسعه و تثبیت بود، موجب شد تا منافع سیاسی- اقتصادی استبداد داخلی مورد تهدید واقع شود. سید عبدالحسین لاری پس از به توب بستن مجلس، سلطنت محمدعلی شاه را غیر مشروع اعلام کرد و فتوا داد که مردم نباید به مأموران دولتی مالیات دهند. به همین سبب ساکنین شهرستان لار در سال ۱۳۲۷ ه.ق توسط قوامی‌ها به بهانه مبارزه با آیت‌الله حاج سید عبدالحسین لاری، قتل‌عام شدند و غارت اهالی آن شهر تا شانزده روز ادامه یافت و موجی از خشونت تمام شهر را فراگرفت.^۳ در آن روزها حاج علی آقا ذوالریاستین (رئیس انجمن اسلامی شیراز و یار همیشگی سید عبدالحسین لاری) به همراه تعدادی از مردم، در اعتراض به این فجایع، در کنسول‌گری انگلیس متحصن شدند و روز بعد بازاریان شیراز با بستن بازار در مساجد حاضر شدند.^۴ جریان این تحصن در خارج از ایران انتشار یافت و موجی از اعتراض مراجع نجف و ایرانیان خارج از کشور را برانگیخت. لذا نیروهای قوام‌الملک در میان اعتراضات گسترده، مجبور به بازگشت به شیراز و ترک اشغال لارستان شدند.^۵

قضیه لارستان با دخالت حاج علی آقا ذوالریاستین تمام شد اما سید عبدالحسین لاری با شهادت شیخ زکریا دارابی، حاج بابا بیرمی و غلامحسین وراوی، بهترین یارانش را از دست داد. ولی با این وجود سید از پای ننشست و همزمان با شروع جنگ جهانی اول تهاجم سیاسی خویش را علیه دولت انگلیس آغاز و با صدور حکم جهاد به صولت‌الدوله قشقایی و نیروهای تنگستانی، مرحله جدیدی از مبارزاتش را پی گرفت.^۶

^۱ شفیعی سروستانی، فارس در انقلاب مشروطیت، ص ۱۴۹.

^۲ امداد، فارس در عصر قاجار، ص ۵۲۱-۵۲۲.

^۳ شفیعی سروستانی، فارس در انقلاب مشروطیت، ص ۱۵۲.

^۴ بشیری، کتاب آبی، ص ۵۶۹.

^۵ بشیری، همان‌جا.

^۶ رحمانی، سیمای لارستان، ص ۴۶-۴۷.

روحانی غیرتمند تا زمانی که محمدعلی شاه بر تاج و تخت ایران تکیه داشت از پا ننشست و مبارزه با طرفداران استبداد و قوای دولتی را ادامه داد.^۱

در آستانه فتح تهران، سید عبدالحسین لاری با جمع‌آوری نیرو و تجهیزات درصدد بود تا به شیراز حمله کند که به دلیل شرایط مغشوش شیراز در این زمینه توفیق نیافت. با فتح تهران، افزایش قدرت و نفوذ ایل بختیاری در دستگاه حکومت، به زیان جبهه مشترک سید عبدالحسین و قشقای‌ها تمام شد و شرایط به قدرت‌یابی جناح قوامی‌ها و تضعیف موقعیت نیروهای مشروطه‌خواه و انقلابی منجر شد.^۲ این امر در حالی صورت می‌گرفت که کلیه نیروهای لارستانی سید، پس از تهاجم نیروهای دولتی به لارستان و غارت آن شهر، از پیرامونش پراکنده شده بودند. به این ترتیب او در حالی که فاقد هرگونه نیروی نظامی جهت اعمال قدرت بود، با تمام توان فکری، در مقابل تهاجم بیگانگان ایستاد و در مبارزه‌ای شرکت جست که به دلایل گوناگون نمی‌توانست از آن پیروز بیرون آید. حمایت سیاسی- نظامی صولت‌الدوله قشقای پس از انشقاق بزرگ ایل و نیز شکست او از نیروهای دولتی، نمی‌توانست شامل حال سید گردد. از این رو سید به طرف قیر حرکت نموده و از آن‌جا، به پیشنهاد بعضی از بزرگان جهرم، به آن شهر، مهاجرت نمود و مدت شش سال پایان عمرش را در این دیار گذراند. سال‌های پایانی زندگانی او، همراه با نوعی مبارزه علیه مظالم رفته بر جامعه بود و با این که او از هرگونه امکانات نظامی- مالی جهت اعاده روزهای اقتدار بی‌بهره بود، اما فکر مبارزه و سازش‌ناپذیری او، هم‌چنان پابرجای و استوار باقی مانده بود و سرانجام آن سید بزرگوار در روز چهاردهم شوال ۱۳۴۲ ه.ق. درگذشت.^۳

نتیجه‌گیری

لارستان در آستانه مشروطیت در بحران شدید، ناامنی، وحشت و ترور به سر می‌برد. این اوضاع توان اقتصادی لارستان را فلج کرده بود و تجارت ضربه سختی خورده و رونق دیرینه خویش را از دست داده بود. عدم امنیت مالی و تجاری لازم برای بازرگانان و نبودن مرجعیت مذهبی در منطقه، تجار را به یافتن راه حلی در جهت از بین بردن بحران ناگزیر ساخت. آنان به این نتیجه رسیدند که از عالم روحانی، سید عبدالحسین لاری دعوت کنند. در نتیجه‌ی حضور بازرگانان لاری در نجف، سید عبدالحسین موسوی لاری در سال ۱۳۱۰ وارد لار می‌شود. سید عبدالحسین لاری با ورود به لارستان اقدامات مهمی انجام داد مثل تأسیس حوزه علمیه، اخراج یهودیان، تشکیل انجمن اسلامی و.. که سید با این اقدامات در رأس هرم سیاسی قرار گرفت، قدرتی که منشأ آن اقتدار شخصی، باورهای عمیق مذهبی و حمایت شدید بازرگانان بوده است. بدین ترتیب نهضت ستم ستیزی و شرع‌گرایی لارستان روز به روز قدرتمندتر شد. می‌توان گفت که نهضت او، برخاسته از اصل ظلم‌ستیزی و از تفکری کاملاً دین‌گرایانه و مذهبی و در چهارچوب مبارزه‌ای جدی و مستمر با نمادهای

^۱ ملک زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۹۹۶.

^۲ بشیری، کتاب آبی، ص ۷۳۳.

^۳ رحمانی، سیمای لارستان، ص ۴۷.

"ظلم" صورت گرفت. در این راستا، بارزترین وجه مشخصه چهره سیاسی سید و یارانش، ظلم ستیزی بوده‌است. او و یارانش توانستند دوره‌ای از مبارزه‌ای مقدس و کاملاً مذهبی را علیه مظاهر ظلم در منطقه شکل داده، صحنه‌های فراموش نشدنی را در سال‌های مبارزه و قیام به‌وجود بیاورند. نهضت او، با کمک‌های مالی تجار لارستانی و با حمایت نیروهای ایلی و شبه ایلی جنوب فارس، با پشتوانه قدرتمند و تقدس گونه‌اش، توانست سال‌های اوج و اقتدار را در فارس شاهد باشد.

فهرست منابع و مآخذ

- امداد، حسن. *فارس در عصر قاجار*. شیراز: نوید، ۱۳۸۷.
- اقتداری، احمد. *لارستان کهن*، تهران: بی نا، ۱۳۳۴.
- براون، ادوارد. *انقلاب ایران*. ترجمه احمد پژوه، تهران: کانون معرفت، ۱۳۳۸.
- بنی عباسیان بستکی، محمداعظم. *تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستکی*. به کوشش عباس انجم روز، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۳۹.
- رحمانی، صادق. *سیمای لارستان*. قم: موسسه فرهنگی همسایه، ۱۳۷۵.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی. *سفرنامه سدیدالسلطنه*. تصحیح احمد اقتداری، تهران: بهنشر، ۱۳۶۲.
- شفیعی سروستانی، مسعود. *فارس در انقلاب مشروطیت*. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۳.
- کتاب آبی، *اسناد وزارت خارجه انگلیس*. به کوشش: احمد بشیری، تهران: نشر نو، ۱۳۶۲.
- کرامتی، ملاهادی. *تاریخ دلگشای اوز*. شیراز: نوید، ۱۳۶۹.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام. *تاریخ بیداری ایرانیان*. ج. ۵. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- کسروی، احمد. *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۱.
- لوی، حبیب. *تاریخ یهود در ایران*. تهران: انتشارات بروخیم، ۱۳۳۹.
- مافی، نظام‌السلطنه. *خاطرات و اسناد*. به کوشش معصومه مافی و دیگران، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.
- مستشارالدوله، صادق. *خاطرات*. به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۶۲.
- ملک‌زاده، مهدی. *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. ج ۴ و ۵. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۳.
- مورخ لاری، سیدعلاءالدین. *تاریخ لارستان*. تصحیح محمدباقر وثوقی، شیراز: راهگشا، ۱۳۷۱.
- وثوقی، محمدباقر. *لارستان*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
- _____ . *لارستان و جنبش مشروطیت*. قم: موسسه فرهنگی همسایه، ۱۳۷۵.
- _____ و کورش کمالی سروستانی. *نگاهی به تحولات فارس در آستانه انقلاب صغیر*. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۷.
- _____ . *وقایع اتفاقیه*. به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۱.
- یزدانی، سهراب. *کسروی و تاریخ مشروطه ایران*. تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.